اقدامات تفرقه‌افکنانه جریانِ لندن نشین
با استفاده از نام روحانیت شیعه

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خبرگزاری دانشجو

۱۴:۵:۱ | Sunday, August 07, 2016

صفحه نخست|عناوین اخبار|پوشش زنده|دانشگاه‌های کشور|تشکل‌های دانشگاهی|صنفی و دانشجویی|سیاسی|فناوری و آموزش|فرهنگی|اجتماعی|اقتصادی|ورزشی|بین‌الملل|عکس|فیلم و صوت|فضای مجازی

صفحه اصلی |

۱۷:۰۶ | ۱۳۹۲/۱۰/۲۸
کد خبر: ۲۸۷۵۲۳

کامران صداقت ثمرحسینی در گفتگو با «خبرگزاری دانشجو»:

اقدامات تفرقه‌افکنانه جریانِ لندن نشین با استفاده از نام روحانیت شیعه / آنان که با گستاخی تمام آیت اله بهجت را منحرف نامیدند

در سال‌های اخیر جریانِ لندن نشینی با استفاده از نام روحانیت شیعه اقدامات تفرقه‌افکنانه‌ای داشته‌اند که نمونه‌ای از آنان جریان یاسر الحبیب با حمایت سید مجتبی و سید صادق شیرازی است

گروه اندیشه «خبرگزاری دانشجو»؛ این روزها نمی توان از تلاش برخی گروه ها و جریان های منحرف که همه توان و نیروی خود را خرج مقابله با وحدت مسلمانان نموده، برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان و بالا گرفتن نزاع و دشمنی میان آنان و در نتیجه تضعیف اسلام تلاش نموده اند، چشم پوشی کرد؛ لذا به بهانه میلاد حضرت ختمی مرتبت و نامگذاری هفته وحدت در گفتگو با دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی؛ عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به بررسی و ریشه یابی اعتقادات و رفتارهای برخی از این گروه ها و جریان های انحرافی پرداخته ایم.

خبرگزاری دانشجو

کد مطلب: 287523 | تاریخ: شنبه ۲۸ دی ۱۳۹۲ | ساعت: ۱۷:۰۶

کامران صداقت ثمرحسینی در گفتگو با «خبرگزاری دانشجو»:

اقدامات تفرقه‌افکنانه جریانِ لندن نشین با استفاده از نام روحانیت شیعه/ آنان که با گستاخی تمام آیت اله بهجت را منحرف نامیدند

در سال‌های اخیر جریانِ لندن نشینی با استفاده از نام روحانیت شیعه اقدامات تفرقه‌افکنانه‌ای داشته‌اند که نمونه‌ای از آنان جریان یاسر الحبیب با حمایت سید مجتبی و سید صادق شیرازی است

گروه اندیشه «خبرگزاری دانشجو»؛ این روزها نمی توان از تلاش برخی گروه ها و جریان های منحرف که همه توان و نیروی خود را خرج مقابله با وحدت مسلمانان نموده، برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان و بالا گرفتن نزاع و دشمنی میان آنان و در نتیجه تضعیف اسلام تلاش نموده اند، چشم پوشی کرد؛ لذا به بهانه میلاد حضرت ختمی مرتبت و نامگذاری هفته

خبرگزاری دانشجو

http://www.snn.ir/Print/۲۸۷۵۲۳
http://www.snn.ir/detail/News/۲۸۷۵۲۳/۱۰۷۱

اقدامات تفرقه‌افکنانه جریانِ لندن نشین با استفاده از نام روحانیت شیعه

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گروه اندیشه «خبرگزاری دانشجو»؛ این روزها نمی توان از تلاش برخی گروه ها و جریان های منحرف که همه توان و نیروی خود را خرج مقابله با وحدت مسلمانان نموده، برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان و بالا گرفتن نزاع و دشمنی میان آنان و در نتیجه تضعیف اسلام تلاش نموده اند، چشم پوشی کرد؛ لذا به بهانه میلاد حضرت ختمی مرتبت و نامگذاری هفته وحدت در گفتگو با دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی؛ عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به بررسی و ریشه یابی اعتقادات و رفتارهای برخی از این گروه ها و جریان های انحرافی پرداخته ایم.

خبرگزاری دانشجو»- مهم‌ترین آسیب‌های فرا روی حوزه‌های علمیه ناشی از چه عواملی است؟

ثمرحسینی: حوزۀ علمیه مکان آموزش علوم آل محمد (ص) است. علمای شیعه همواره تاکید کرده‌اند که علم باید توأم با عمل باشد و این اقتضای آن علوم شریف است، یعنی تعلیم علم باید همراه با انجام واجبات و ترک محرمات و عمل به سنت نبوی و اخلاق اسلامی باشد.

هرگاه فراگیری این علوم بدون تهذیب نفس باشد، خطراتِ عدیده‌ای برای افراد و بلکه کل جامعه ایجاد می‌کند و اگر خوب دقت شود، فرقه سازی‌ها و دعاوی باطل آنان ناشی از عدم تهذیب نفس و عدم پایبندی به تقوای الهی بوده است.

ضرورت تهذیب نفس و اهمیت ویژه آن در فراگیری علوم الهی سخت مورد توجه و اهتمام مرحوم حضرت امام خمینی (ره) بود. اینکه حتی علمای بزرگ شیعه خود را بی‌نیاز از حضور در درس اخلاق و تذکر و یادآوری مباحث آن ندانسته‌اند عظمت مطلب را می‌رساند. بسیاری از انحرافات سیاسی افراد و یا شتاب در انتشار رساله عملیه و مانند آن ناشی از عدم تهذیب نفس و تمایل به قدرت و شهوات نفسانی بوده است.

علاوه بر این‌ها جامع‌نگری نیز از ویژگی‌هایی است که هر فرد حوزوی باید داشته باشد. این موضوع در آثار و سخنان مرحوم حضرت امام خمینی (ره) و نیز مرحوم علامه عبدالحسین امینی (ره) و مقام معظم رهبری و بسیاری دیگر از علما و نویسندگان دیده می‌شود. محمدرضا حکیمی به درستی در وصف علامه امینی می‌نویسد که «او درک می‌کرد که جهان، امروز صاحب صدها جریان فکری، فلسفی، سیاسی، تربیتی، اقتصادی و نظامی بین‌المللی است؛ بنابراین، مرزبان حماسهٔ جاوید و سرپرستی کلیت مواریث علمی و حقوقی و اجتماعی و سیاسی و اقدامی علی و آل علی را نمی‌توان فدای چند سال فقه و اصول خواندن و طلبگی کردن فلان آقا کرد«.

حال اگر آموزش حوزوی همراه با تهذیب نفس نباشد و یا آن جامع‌نگری لازم در علوم حوزوی کسب نشود، احتمال افتادن در مسیرهای انحرافی و نادرست افزایش می‌یابد برای مثال، علامه وحیدی از نوادگان مرحوم آیت‌الله آقا محمدباقر وحید بهبهانی (ره) و از شاگردان آقا ضیاءالدین عراقی (ره) بود که اجازات متعدد اجتهاد از علما دریافت کرده بود؛ ولی چه سود از آن خاندان شریف و از آن اساتید بزرگ اگر نفس تهذیب نشده باشد.

او در سال ۱۳۱۴ شمسی که موضوع مجالس میهمانی زن و مرد و کشف حجاب اسلامی بر پا می‌شد، درحالی‌که ملبس بود، همراه با همسرش وارد مجلس میهمانی دولتی شد و قصیده‌ای طولانی را که در مذمت حجاب سروده بود در آن مجلس خواند که مطلع آن این است: «به شرع احمد مرسل حجاب لازم نیست.» و بعدها عمامه و قبا و عبا را برداشت و به تعبیر مرحوم علامه حسینی طهرانی (ره) در کتاب «رساله نوین دربارهٔ بناء اسلام بر سال و ماه قمری» فُکُل و کراوات و زُنار بست و تا آخر عمر با عنوان سناتور علامه وحیدی، در خدمت خاندان پهلوی بود. تعابیر قرآنی علامه حسینی طهرانی از فرجام سوء این فرد بسیار آموزنده و تکان‌دهنده است.

چنین افرادی امروزه نیز دیده می‌شوند. برای مثال، می‌توان به مهدی خلجی اشاره کرد که زمانی در حوزه علمیه تحت آموزش بود و البته سطح آموزش او بسیار نازل بود. او با گرایش به مباحث روشنفکری دینی و سکولار جهان عرب، به تدریج جذب مراکز و مؤسسات مطالعات راهبردی ایالات‌متحده آمریکا همچون (مرکز مطالعات راهبُردی

واشنگتن) و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی غربی شد و مطابق منافع آمریکا علیه ایران فعالیت کرد.

از سوی دیگر نمونه‌ای همچون سید ابوالفضل برقعی نیز در جای خود جالب‌توجه است که به تدریج مبدل به یک فرد سلفی وهابی شد و این تحول در او تدریجاً روی داد. او ابتدا منتقد تصوف شد، سپس منتقد برخی از باورهای شیعی و در نهایت منتقد اصل تشیع شد و وهابی شد.

در این زمینه پیشنهاد می‌کنم به کتاب «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی – سیاسی ایران» تألیف حجت‌الاسلام آقای رسول جعفریان مراجعه شود که فصل مفیدی با عنوان «جریان‌های تجدید نظر طلاب در عقاید شیعه» دارد.

همچنین من اخیراً با افرادی مواجه شده‌ام که «ایده روحانیت منهای لباس» را در سر می‌پرورانند و هرچند جریانی معدود هستند ولی به طور جدی باید با آن مقابله کرد. آن‌ها لباس را بنا بر موقعیت سنجی می‌پوشند و همواره عبا و عمامه‌ای برای آن موقعیت‌های ویژه، در کمد اتاقشان آماده دارند.

ما باید حساب این عده معدود را از روحانیت اصیل جدا کنیم. لباس روحانیت لباس اسلام، لباس شرافت، لباس عزت و سربلندی است و این لباس سنت رسول اکرم (ص) و اهل‌بیت شریف ایشان (ع) است.

در اینجا خاطره‌ای را از مرحوم آیت‌الله سید محمدحسین حسینی طهرانی (ره) نقل می‌کنم که خود بی‌واسطه در بیت ایشان شاهد بوده‌ام. در نیمه شعبان سال ۱۴۱۳ قمری، در بیت حضرت علامه، به روال معمولشان در چنان ایامی، مراسمی برگزار شد. در آن روز بنا شد تا برخی از طلاب را ملبس به لباس روحانیت کنند. عمامه‌هایی آماده (بسته‌شده) آوردند. ایشان مقداری دربارهٔ اهمیت لباس روحانیت و مقاصد رژیم پهلوی از مبارزه با آن سخن به میان آوردند و اشاره‌ای نیز به کوشش رژیم پهلوی در ایجاد مراکز دینی دانشگاهی به عنوان بدیل حوزه کردند و مثالی را هم از الازهر مصر و کوشش در دولتی کردن آن فرمودند.

سپس توضیح دادند که: «ملبس شدن روحانی باید به طریقهٔ سنت نبوی باشد که حضرت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم، خود عمامه را بر سر حضرت

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بستند». آنگاه علامه حسینی طهرانی ایستادند و عمامه آماده را باز کردند و بر سر یکی از طلاب که سیدی بود، بستند. این نگاه به لباس روحانیت، برگرفته از غدیر خم و آن سنت اصیل، موضوع و مطلبی بسیار عظیم است.

این را هم اضافه کنم که زمانی در مسجد حاج حکیم شهر مشهد مقدس، از مرحوم آیت‌الله حاج سید جواد فقیه سبزواری (ره) در خصوص لباس روحانیت سئوال کردم؛ پاسخ ایشان سخت قاطع بود: «اگر فردی ملبس به لباس روحانیت شود و گاه و بیگاه بخواهد آن را بپوشد یا نپوشد (با لباس روحانیت بازی کند.)، چنان آلوده و پلید است که اگر خود را آب هم بکشد باز هم پاک نمی‌شود. یا لباس را نپوشید و یا اگر می‌پوشید بدان ملتزم باشید«.

در واقع روحانیت به معنای اصطلاحی، علاوه بر تحصیل علوم آل محمد (ص) در سنتی پیوسته و شناخته‌شده، انجام واجبات و ترک محرمات و رعایت مستحبات و اخلاق نبوی(ص)، التزام به لباس روحانیت به مثابه سنتی نبوی است. در خصوص آسیب‌شناسی حوزه‌های علمیه علاوه بر سخنان مرحوم حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری، مراجعه به آثار استاد شهید مرتضی مطهری و استاد محمدرضا حکیمی پیشنهاد می‌شود.

خبرگزاری دانشجو»- در سال‌های اخیر جریانِ لندن نشینی با استفاده از نام روحانیت شیعه اقدامات تفرقه‌افکنانه‌ای داشته‌اند که نمونه‌ای از آنان جریان یاسر الحبیب با حمایت سید مجتبی و سید صادق شیرازی است، در این زمینه تاریخچه‌ای از این جریان را برای مخاطبین ما بفرمایید.

ثمرحسینی: یاسر الحبیب فرد روحانی‌نمای کویتی و از شاگردان سید مجتبی شیرازی و سید صادق شیرازی است که به دلیل توهین به مقدسات اهل سنت و همسر پیامبر گرامی اسلام، تابعیت کویتی‌اش سلب شد. او با حمایت بریتانیا به لندن رفت و در آنجا پناهنده سیاسی شد و هیئت خدام المهدی را که پیش‌تر در کویت تأسیس کرده بود، در لندن راه‌اندازی کرد.

در کنار آن پاره‌ای نشریات و شبکه‌های ماهواره‌ای با حمایت سید مجتبی شیرازی تأسیس کرد. البته مواضع برادران شیرازی (سید محمد، سید صادق و سید مجتبی) فرزندان مرحوم آیت‌الله سید مهدی شیرازی را باید در طول مراحل مختلف تاریخی زندگی‌شان مدنظر قرار

داد. هیچ یک از اینان در مرکزیت مرجعیت شیعه قرار نداشته‌اند و مرجعیت آنان محلی بوده است.

مرجعیت اصلی شیعه پس از آیت‌الله العظمی بروجردی در اختیار علمای بزرگی همچون آیات عظام امام خمینی، مرعشی نجفی، گلپایگانی، خویی، اراکی و ... و اکنون آیات عظام سیستانی، مقام معظم رهبری، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و دیگران است.

با این وجود سید محمد شیرازی و برادرانش در جوانی جهت کسب مرجعیت شتاب کردند و در میان برخی از شیعیان کویتی و عراقی طرفدارانی یافتند و این شتاب در اعلام مرجعیت، با سیره و منش علمای بزرگ شیعه همچون مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت فومنی و یا آیت‌الله العظمی اراکی و دیگران که سعی در دوری از این عناوین داشتند، متفاوت است.

سید محمد شیرازی جز در مقطعی کوتاه، روابط سردی با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) داشت. برخی از آن مسایل در کتاب خاطرات آیت‌الله سید عباس خاتم یزدی بازگو شده است. البته عناد سید مجتبی شیرازی با انقلاب اسلامی ایران که گاه آشکارا تا تکفیر علمای بزرگی پیش‌رفته و فیلم‌های سخنرانی‌هایش در وبگاه‌های سلفی معمولاً به عنوان شاهدی از تعارضات درونی شیعه جهت مخاطبان بی‌اطلاع جهان عرب پخش می‌شود، موضوعی پنهانی نیست.

آنان اصول اخلاق و تهذیب نفس را رعایت نکرده‌اند؛ زیرا زمانی که حرمت مراجع تقلید شیعه، همچون آیات عظام محمدتقی بهجت فومنی (ره) و مکارم شیرازی توسط یاسر الحبیب شکسته شد، اخلاق و ادب اسلامی اقتضا می‌کرد، حمایت از او برداشته شود و نه آنکه چنین حمایتی با صدور اجازه روایتی سید صادق شیرازی و انتشار آن در وب‌گاه یاسر الحبیب تشدید شود.

یاسر الحبیب با گستاخی تمام آشکارا آیت‌الله بهجت را فردی منحرف نامید و توهین‌ها به حضرت آیت‌الله سیستانی و مقام معظم رهبری کرد و آن را در وب‌گاه خود، چه به زبان عربی و چه به زبان فارسی منتشر کرد.

اما علاوه بر این بی‌ادبی و گستاخی، آنان فاقد جامع‌نگری نیز بوده‌اند. مراجع شیعه، محل رجوع همه مسلمانان و نه تنها شیعیان بوده‌اند و همواره بر وحدت اسلامی و پرهیز از دودستگی در صفوف امت تاکید کرده اند.

راز موفقیت حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی در عراق توجه به همین سنت حسنه علمای بزرگ شیعه است. او به عنوان مرجع همه عراقی‌ها و نه فقط شیعیان عمل کرده است؛ از این رو، زمانی که این فتوا صادر شد که تعرض به مساجد اهل سنت در حکم تعرض به مراقد اهل‌بیت (ع) است، دار الافتای مصر به بیداری علمای شیعه می‌بالد و افتخار می‌کند. منسوبان این جریان، چنانکه اشاره خواهم کرد، کوشش کرد تا با تحریک احساسات برادران اهل سنت، خود را در محور توجهات جهان اسلام قرار دهد و این بدترین شیوه برای کسب شهرت است.

البته برخوردهای ناشایست آنان با علمای شیعه، برکاتی هم داشت و آن اینکه مسلمانان جهان دریافتند که پیش از آنکه این گروه با اهل سنت در تعارض و دشمنی باشند، با مراجع بزرگ شیعه در تعارض و اختلاف هستند؛ بنابراین با ایجاد امکان تمییز برای مسلمانان جهان، امکان سوءاستفاده از عنوان شیعه و یا ایران توسط استعمارگران غربی و جاهلان و مغرضان گرفته شد.

خبرگزاری دانشجو»- آیا می‌توان جهت‌گیری‌های این جریان را انحرافی دانست؟

ثمرحسینی: ما در نگاه وحدت‌گرایانه و تقریبی مرحوم آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی (ره) و بسیاری از علما و مراجع بزرگ شیعه هیچ تردید و ابهامی نداریم و مگر نه این است که حتی علامه امینی در مقدمه مجلد هشتم الغدیر به صراحت می‌نویسد: «الغدیر در دنیای اسلام، صف‌ها را متحد خواهد ساخت. او در ذیل این بحث اثبات می‌کند که الغدیر بسیاری از سوء تفاهمات را حل می‌کند و موجب نزدیک‌تر شدن مسلمانان به یکدیگر خواهد شد و شهید مرتضی مطهری (ره) و علامه محمدتقی جعفری (ره) و علامه سید مرتضی عسکری (ره) هر یک در مقالاتی جدا از نقش تقریبی علامه امینی تقدیر کرده‌اند.

علامه عسکری به درستی بیان می‌کند که امینی ثابت کرد که وحدت مسلمانان با ترک تحقیق و پژوهش در مسایل اختلافی که بخش عمده‌ای از آن بر اثر احادیث مجعول و

تاریخ مجعول شکل گرفته است، محقق نمی‌شود؛ بنابراین باید همچون علامه امینی، به قصد فهمیدن و فهماندن عقاید اسلام وارد تحقیق و پژوهش شد و درعین‌حال ادب و اخلاق اسلامی را رعایت کرد.

برادری اسلامی و رفع اختلاف‌ها با نمایش توهین و تحقیر و ناسزا گفتن به یکدیگر هرگز روی نخواهد داد. علامه امینی ادب پیشه کرد و کتاب الغدیر جاودانه شد. مسلمانان نیازمند آن هستند که در بررسی اختلافات، ادب دینی، شرافت اسلامی، عفت کلام و راست‌گویی و امانت‌داری حفظ شود؛ بنابراین شخصیت‌های این‌چنینی مصلحانی اجتماعی هستند که جهت اصلاح امت به نقد ضابطه‌مند آثار مختلف مبادرت کرده است نه آنکه افتخارشان توهین و تحقیر دیگران باشد.

یاسر الحبیب با استناد به اجازهٔ روایت سید صادق شیرازی و حمایت سید مجتبی شیرازی فعالیت دینی خود را مشروع قلمداد می‌کند و چنانکه گفته شد، در چارچوب هیئت «خدام المهدی» در لندن به دشمنی با شیعه و اهل سنت می‌پردازد.

جنجالی‌ترین اقدام زشت او که شدیداً بر مطالعات شیعه‌شناسی اهل سنت تأثیرگذار بوده است، برگزاری مراسم جشن در روز درگذشت عایشه همسر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) (در تاریخ ۱۷ رمضان ۱۴۳۱ ق) و توسعهٔ این‌گونه جشن‌ها به سالروز وفات دیگر صحابهٔ آن حضرت است.

البته مسئله تنها به سخنرانی مذکور ختم نشد. وابستگان به هیئت خدام المهدی کتاب «... الوجه الآخر لعائشهٔ» (کلمه اول عنوان کتاب را بیان نکردم) از تألیفات یاسر الحبیب را در هفت فصل و در بیش از یک هزار صفحه به چاپ رساندند که در طی یکی از فصول ننگین آن به زشتی به مقدسات مسلمانان توهین کردند.

نیز می‌توان به کتاب «فصل الخطاب فی تاریخ قتل عمر بن خطاب» تألیف ابوالحسین خوئینی اشاره کرد که توسط همین افراد در لبنان منتشر شد. این کتاب به دنبال تحریک برادران اهل سنت است و به دنبال تعیین دقیق تاریخ قتل خلیفه دوم به منظور مشخص ساختن تاریخ جشن و سرور برای همفکرانشان است و اینکه در لبنان منتشر شد، نشان از توطئه‌ای علیه حزب‌الله لبنان داشت که به موقع با واکنش سید حسن نصرالله ناکام ماند.

این‌گونه اقدامات فتنه‌انگیزی در میان مسلمانان است و ادامهٔ آن را می‌توان در سخنرانی شب هفتم ذی الحجهٔ ۱۴۳۱ ق یاسر الحبیب به مناسبت شهادت امام باقر (علیه‌السلام) دید که در آن می‌خواهد تا در عراق نام خیابان‌ها و بناهایی مانند خیابان رشید، خیابان منصور، دانشگاه مستنصریه و... تغییر کند؛ اما آیا مشکل عراق در حال حاضر نام خیابان‌های آن است؟

اینجاست که تفاوت سطح بیداری و وسعت دید مراجع بزرگی چون آیت‌الله العظمی سیستانی با این جماعت قلیل به خوبی آشکار می‌شود. چنین دعوتی به ویژه در شرایط کنونی تنها به ایجاد تنفر مذهبی در عراق (و دیگر ممالک اسلامی) منجر می‌شود.

از سوی دیگر همین برنامه تفرقه‌افکنانه از سوی برخی از مخالفان وحدت اسلامی در بحرین دنبال می‌شود. سلفی‌های وهابی کوشش می‌کنند تا اهل سنت بحرین را با این عنوان که اسامی خیابان‌ها و شهرهایشان شیعی و صفوی شده است و یا در عراق نام شهر الثورهٔ به الصدر تغییر یافته است، بر ضد شیعیان تهییج کنند که نشان می‌دهد که استعمارگران از هر فرصتی برای ایجاد دشمنی در میان مسلمانان استفاده می‌کنند و در واقع افرادی چون یاسر الحبیب خواسته یا ناخواسته بازیچه آنان شده‌اند.

خبرگزاری دانشجو»- خطر این جریان از چه جهت است؟

ثمرحسینی: خطر اصلی این گروه در کوششی است که جهت تخریب وحدت اسلامی به کار بسته‌اند. سمت‌وسوی اقدامات یاسر الحبیب در وهلهٔ اول متوجه دشمنی با علمای تقریبی اهل سنت است که خود می‌تواند عزم آنان را بر تقریب مذاهب اسلامی و طرد چنین رویکردهای غلطی در جهان اسلام بیشتر کند.

همچنین نباید از نظر دور داشت که گروه‌های سلفی بیش از هر گروه دیگر، در فضای اینترنت به نام محکومیت این عمل به انتشار آن پرداخته‌اند و حتی بخشی از کتاب خوئینی را جهت دانلود در اینترنت گذاشته‌اند. در این موضوع که یاسر الحبیب به دنبال ایجاد تضاد و فتنهٔ قومی و مذهبی در میان مسلمانان است، شکی نیست.

من در مجلد دوم کتاب شیعه شناسی معاصر اهل سنت که توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر خواهد شد، نشان داده‌ام که از سال ۲۰۱۰ میلادی، همزمان با فعالیت یاسر الحبیب، مرحلهٔ جدید و متمایزی در تشدید ادبیات شیعه هراسی توسط

مخالفان وحدت اسلامی آغاز شد و البته فصل کوتاهی از مجلد اول آن کتاب را درباره محکومیت اقدامات یاسر الحبیب نوشته‌ام.

این عمل دستاویزی برای حمله به شیعه (و نه به شخص یاسر الحبیب و مراکز جاسوسی بریتانیا) توسط شیوخ وهابی شد. در اینجا باید توجه داشت که در موارد این‌چنینی، مضمون تمامی وب‌گاه‌های ضد تقریبی موجود، در اقدامی ظاهراً هماهنگ، بر اساس مضامین جدید شیعه‌هراسی تغییر می‌کنند.

ازاین‌رو دامنهٔ تبلیغاتِ شیعه‌هراسی به مرور زمان شیبی تندتر از قبل به خود می‌گیرد و عملاً تولیدات رسانه‌ای این گروه در خدمت شبکه‌های ماهواره‌ای سلفی وهابی می‌شود. از سال ۲۰۱۰ میلادی، همین اقدامات در کنار اتهام قدیمی و ناروای «اعتقاد شیعه به تحریف قرآن»، از مهم‌ترین دلایل توجیه‌کننده عملیات تروریستی علیه شیعیان شد.

برخی از شیوخ سلفی که در برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای غالباً منسوب به سعودی، عمل زشت یاسر الحبیب را به شیعه و نه جریان او نسبت داده‌اند و با بهره‌برداری از اقدامات نمایشی این گروه، حکم به تکفیر شیعه می‌دهند، عبارت‌اند از: شیخ حسن مشهور، محمد الزغبی (در شبکه الخلیجیه)، محمد العریفی (در شبکه الحکمه)، محمد حسان (در شبکه الرحمه)، یوسف الاحمد (در شبکه صفا)، عدنان عرعور (در شبکه صفا)، ابوالاشبال الزهیری (در شبکه الناس)، مازن السرساوی (در شبکه‌های الحکمهٔ و صفا)، سعد البریک (در شبکه صفا)، مصطفی العدوی (در شبکه صفا)، عبدالرحمن الدمشقیه (در شبکه صفا)، ولید الرشودی (در شبکه صفا)، حسن الحسینی (در شبکه صفا)، محمود المصری (در شبکه الناس) و...

البته دیدگاه دیگر آنان همچون سید صادق شیرازی که معتقدند که «هیچ‌چیز جای قمه زدن روز عاشورا را نمی‌تواند بگیرد» و دائماً می‌خواهند تا شیعیان با قمه زدن خون خود را در روز عاشورا به زمین بریزند، دستاویزی برای حملات روانی علیه شیعیان است که تصویری زننده از شیعیان را نمایش می‌دهد. این پافشاری بر قمه زنی بر سر و بدن شیعیان، بیانگر تقابل آن‌ها با فتوای شجاعانه مقام معظم رهبری و بسیاری از علمای شیعه در این زمینه است.

خبرگزاری دانشجو»- در مقابل این جریان چه اقداماتی صورت گرفته است و بهترین پیشنهاد برای کم کردن آسیب این جریان به جامعه شیعه و مسلمان چیست؟

ثمرحسینی: اولین موج واکنش‌ها در اعتراض به اقدام فتنه‌انگیز آنان در توهین به مقدسات اهل سنت، همزمان با برادران اهل سنت، در میان علمای شیعه روی داد. از میان آن‌ها می‌توان به فتوای قاطع مقام معظم رهبری در حرمت توهین به مقدسات اهل سنت اشاره کرد؛ نیز باید به بیانیهٔ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در تهران که در آن زمان حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری دبیر کل آن بودند. اعلامیه علمای شیعهٔ منطقهٔ احساء عربستان و نیز فتاوی برخی از علماء و مراجع بزرگ تشیع مانند آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی از دیگر اقدامات مهم در این زمینه بوده است؛ ایشان یاسر الحبیب را یا مزدور و مأمور دانست و یا سفیه و دیوانه.

از علمای شیعه کویتی و عربستانی که در محکومیت اقدام یاسر الحبیب بیانیه صادر کرده‌اند می‌توان به مرحوم شیخ عَمری، شیخ حسین معتوق، شیخ حسن صفار، شیخ علی آل محسن، شیخ عبدالجلیل السمین، شیخ نمر و سید هاشم السلمان اشاره کرد. حزب‌الله لبنان نیز واکنش تندی به این اهانت‌ها داشت.

این‌چنین بر خلاف خواستهٔ یاسر الحبیب، بازتاب‌های اقدام زشت او موجب اهمیت یافتن ضرورت تقریب مذاهب اسلامی شد. بار دیگر فتاوی تقریبی علمای شیعه که پیش از این صادرشده بودند، مورد استناد قرار گرفتند؛ و نیز مجموعهٔ جدیدی از فتاوی تقریبی تولید شد که باید برای نسل‌های بعدی به تمامی بایگانی شود و چنانکه گفته شد، با اهانت‌های آنان به علمای شیعه، مرز میان شیعه و گروه‌هایی مانند هیأت خدام المهدی لندن به خوبی از یکدیگر جدا شد.

بنابراین باید با ایجاد بایگانی قابل رجوع از فتاوی علمای تقریبی شیعه و اهل سنت، ایجاد بایگانی مستند قابل رجوع از سوابق افراد، مشخص کردن خطوط و مرزهای افراد جهت روشن شدن مواضع افراد با یکدیگر جلوی بسیاری از پیامدهای این جریان را گرفت. در کنار همه اینها باید وصایای مرحوم امام خمینی را درباره روحانیت جدی گرفت و محقق ساخت.

خبرگزاری دانشجو

۱۲

http://www.snn.ir/Print/۲۸۷۵۲۳
http://www.snn.ir/detail/News/۲۸۷۵۲۳/۱۰۷۱